

نگاهی به ۶ داستان و نویسنده ایرانی که در دنیا هم مورد استقبال قرار گرفتند



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

«قصه از زمانی متولد شده که انسان به وجود آمده و تا زمانی که انسان هست، قصه هم خواهد بود.» این حرف مصطفی رحماندوست، نشان از اهمیت قصه دارد، یعنی انگار تاریخ تولد قصه را زمان بی‌آغاز انتخاب کرده‌اند. داستان و قصه برای ما ایرانی‌ها از قدیم‌الایام مهم بوده و انگار با ریشه و فرهنگ‌مان پیوند عمیق دارد. شاید برای همین است که داستان و قصه همچنان جزء رده‌های پر فروش در حوزه نشر به حساب می‌آید و مردم از آن استقبال می‌کنند. حتی داستان‌ها و رمان‌های خارجی که از آن سوی مرزها به ایران وارد می‌شوند، مورد استقبال قرار می‌گیرند. دو سال پیش که رئیس سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کرد سوالات عمومی از کنکور حذف می‌شوند، واکنش‌های زیادی به این صحبت‌ها مطرح شد که چرا باید بی‌توجهی به دروسی همچون ادبیات فارسی در نظام آموزشی کشور وجود داشته باشد. تا همیشه آثار و نام ادیبان و نویسندگان بر تارک تاریخ ایران می‌درخشند و در حافظه جمعی مردم ایران باقی خواهد ماند و البته نام نویسندگان ایرانی و قصه‌هایشان در دنیا هم شنیده شده و بسیاری از مردم دنیا، ایران را با نام نویسندگان و قصه‌های ایرانی می‌شناسند. به بهانه ۱۴ تیر، روز قلم به سراغ داستان‌ها و نویسندگان ایرانی رفتیم تا بدانیم مردم دنیا از کتاب کدام نویسندگان ایرانی استقبال کرده‌اند و البته این را باید در نظر بگیریم در تمامی این سال‌ها، اراده‌ای برای ترجمه آثار ایرانی وجود نداشته و همین باعث شده بعد از گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب، ما همچنان در بحث ترجمه آثار ایرانی گرفتار مصائب بسیاری باشیم و در جایی که می‌توانستیم از فرهنگ و رویاها و قصه‌های ایرانی بگوییم، هیچ کاری انجام نشده است. در کنار این، اگر کتابی هم به زبان دیگری ترجمه شده اما اوضاع توزیعش در کشور مقصد چندان خوب نبوده و نتوانسته مخاطب خودش را پیدا کند. اما همه این حرف‌ها از علاقه به داستان و قصه ایرانی کم نمی‌کند و آوازه نویسندگان ایرانی و داستان‌هایشان در برخی کشورها پیچیده و شناخته شده هستند.

اثرگذاری بر مخاطب ایرانی و خارجی

«همیشه اعتقاد داشته‌ام آنچه از دل من در عین سوختگی برمی‌آید، منطقی باید بر دل دیگری بنشیند. ناچارم بگویم در طول زندگی‌ام چهار بار ضمن کار تلپ مرگ رفته و برگشته‌ام که سه بار آن را در «روزگار سپری شده» و یک بار آن را در «طریق بسمل شدن» تجربه کردم. بنابراین عجیب است اگر خواننده من این حس صادقانه را نگیرد یا نتواند بگیرد، که این هم به مخاطب مربوط است. یعنی من آنچه شرط بالغ است را گفته‌ام، اینکه دیگری آن حس را بگیرد یا نه، خیلی به من مربوط نیست.» محمود دولت‌آبادی و اثرگذاری‌اش بر ادبیات ایران موضوعی است که نمی‌توان انکار کرد. او نوشتن را از سنین پایین آغاز کرده است. در ۲۰ سالگی به تهران آمد تا بتواند علاقه‌های شخصی خود، یعنی تئاتر و نوشتن را به صورت جدی‌تری پیگیری کند. در همین زمان برای گذران زندگی خود در یک چاپخانه مشغول به کار شد. خودش در این باره



استقبال از داستان‌های جنگی ایرانی در دنیا

شاید برخی فکر کنند داستان‌هایی که با موضوع جنگ ایران و عراق نوشته شده، فقط مصرف داخلی دارد اما ترجمه برخی از رمان‌هایی که با این موضوع نوشته شده، نشان داد که داستان‌های جنگ ما بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد، اگر اکره‌ای برای ترجمه این آثار وجود داشته باشد. حبیب احمدزاده داستانی دارد به نام «شطرنج با ماشین قیامت». داستان او درباره سه روز از زندگی یک بسیجی ۱۷ ساله در آبادان است. این کتاب به زبان آلبانیایی ترجمه و در این کشور منتشر شد و با استقبال رسانه‌های آلبانی در قالب گزارش و نقد و برنامه تلویزیونی هم مواجه شد. همچنین در کوزوو، به دلیل آلبانیایی تبار بودن مردم آن، مورد توجه روزنامه‌ها و مجلات قرار گرفت. ترجمه رمان شطرنج با ماشین قیامت به زبان آلبانیایی از نسخه انگلیسی کتاب توسط «گنس ملویا» سردبیر روزنامه انگلیسی زبان «آلبانین دیلی نیوز» منتشر شده است. این کتاب همچنین توسط چاپ اسپرکمن در کشور آمریکا به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده که در دانشگاه واترجز این کشور به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گرفت. محمدالامین، مترجم عراقی الاصل مقیم کشور هلند نیز ترجمه این رمان به زبان عربی را انجام داد و کریستوف بالایی، استاد دانشگاه سوربن پاریس هم به فرانسه ترجمه کرد. وقتی کتاب به زبان روسی ترجمه شد آنقدر مورد استقبال قرار گرفت که در کمتر از چند روز کتاب در روسیه نایاب شد و همچنان این کتاب جزء علاقه‌مندی‌های مردم روسیه است چون معتقدند روایت نویسنده برای گفتن از جنگ بسیار جذاب و دوست‌داشتنی است و مخاطب هر

لحظه خودش را در دل آن اتفاقات می‌بیند. به غیر از این کتاب و نویسنده‌اش که در دنیا شناخته شده، احمد دهقان نویسنده دیگری است که با داستان‌های جنگش توانست مردم آن سوی مرزهای ایران را با جنگ ایران و عراق آشنا کند. در گفت‌وگویی که با او داشتیم، گفت: «همیشه گفته‌ام عشق و جنگ بزرگ‌ترین سوره‌های تاریخ بشری است. ماقبل از اینکه جنگ داشته باشیم، نقص داشته‌ام اما در جنگ بزرگ‌ترین سوره‌ها را داریم. ما تا بعد از این سوره‌ها استفاده می‌کنیم و بهترین رمان‌ها را می‌آفرینیم. امروز را نگاه نکنید، امروز در تاریخ یک چشم به هم زدن است. آینده ادبیات خود را می‌توانیم با ادبیات جنگ پیش ببریم و ادبیات جنگ می‌تواند اوضاع امروز و دیروز و آینده ما را جلوی چشم مخاطب قرار دهد. ادبیات جنگ را نباید دست‌کم بگیریم.» کتاب «سفر به گرای» ۲۷۰ درجه، نوشته احمد دهقان، نگاهی جدید به جنگ است که به چند زبان زنده جهان ترجمه شده و مورد استقبال قرار گرفته است. او در مورد نحوه استقبال از این کتاب در ایتالیا می‌گوید: «سفر به گرای» ۲۷۰ درجه به چهار زبان ترجمه شده است. بهترین ترجمه را ترجمه ایتالیایی می‌دانم که به سمت واقعی بودن ترجمه رفته است. من تازه یاد گرفته‌ام چطور است. مترجم ایتالیایی خواست ترجمه کند و با من قرارداد بست. در ابتدای ترجمه این کار را کرد، حتی حق‌التالیف را به من داد و آنجا دو هفته برای من سفر تبلیغاتی برای رمان گذاشت. من در متروی میلان کتاب را دیدم. در کتابفروشی قطار بلونیا کتاب را دیدم که میز فروش بود.»

آغوش دنیا برای هوشنگ مرادی کرمانی

بیشتر آثار هوشنگ مرادی کرمانی در دنیا ترجمه شده و اتفاقاً استقبال زیادی هم از آن شده است. خودش دلیل این کار را صداقت در نوشتن می‌داند و می‌گوید: «در هیچ‌کدام از آثارم هرگز خود واقعی‌ام را از خوانندگان پنهان نکرده‌ام. خوب یا بد زندگی‌ام در اغلب آنها آمده است. تمام این ۶۰ سال نویسنده‌ام هرگز به اینکه بهتر است فلان بخش زندگی‌ام یا خودم را سانسور کنم، فکر نکرده‌ام. حتی به اینکه قرار است نوشته‌ام را نوجوان بخواند یا سالمند، مسلمان بخواند یا یهودی و مسیحی هم فکر نمی‌کنم. برای من هیچ‌کدام از اینها مهم نیست. تنها هدفم این بوده که تجربیات زیستی‌ام را به قالب کلمات بیاورم. با اینکه زندگی‌ام به نوعی در همه آثارم دیده می‌شود.»

آثارش سرشار از سادگی و شیرینی خاصی است که سبب محبوبیت آنها در میان علاقه‌مندان به ادبیات فارسی شده است. این نویسنده خوش‌ذوق و توانمند کرمانی دارای آثار فراوانی است که نه تنها به زبان‌های دیگر دنیا از جمله انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و عربی ترجمه شده، بلکه فیلم‌های متعددی نیز از روی این آثار شگفت‌انگیز ساخته شده است. شاید مهم‌ترین و برجسته‌ترین آنها، «قصه‌های مجید» است که در ذهن بسیاری از ایرانیان، به عنوان قایمی

قصه‌گوی غریزی

اوایل دهه ۷۰ برای زویا پیرزاد آغازی بر نویسنده شدن بود. او در همین سال‌ها نوشتن داستان کوتاه را آغاز و سه کتاب منتشر کرد. هرکدام از این کتاب‌ها شامل مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه او بودند. اولین رمان بلندش یعنی «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» را در سال ۱۳۸۰ به چاپ رساند. انتشار این کتاب برای زویا پیرزاد اوج دوران حرفه‌ای‌اش در نویسندگی محسوب می‌شود. او با این رمان علاوه بر اینکه بیش از پیش قلمش شناخته شد و مورد پسند عموم مردم قرار گرفت، موفق به دریافت جوایز مهمی چون «بهترین رمان سال یکا»، «جایزه بنیاد هوشنگ گلشیری» و «جایزه کتاب سال» شد. نکته تاثیرگذاری زویا پیرزاد را باید در نوشته‌ها و آثارش جست‌وجو کرد. داستان‌های او درباره زنان، دغدغه‌ها و مسائل‌شان است. او دغدغه‌اش را به زبان ساده می‌نویسد و سوره‌هایش را از روزمرگی‌ها انتخاب می‌کند. او در مصاحبه‌ای درباره نوشته‌هایش گفت: «من در مورد زنان زیاد می‌نویسم، زیرا موضوع زنان درحال حاضر در مرکز دل‌مشغولی‌های من قرار دارد. اینکه فکر کنیم زنان به مردان وابسته‌اند، واقعا مرا می‌رنجانند. در ایران، ارمنستان، هندوستان و بسیاری کشورهای دیگر که فرهنگ غیرغربی دارند، دختر زمانی

نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد

فرهاد حسن‌زاده را باید جزء پرافتخارترین نویسندگان کشورمان در سطح داخلی و خارجی بنامیم. آثار او بیش از ۲۰ سال است که به صورت متوالی برگزیده جشنواره‌های مختلف است. ادبیات کودک و نوجوان برای او یک موضوع جدی بوده و نوشتن را با نگارش نمایشنامه‌ای در نوجوانی آغاز می‌کند. نخستین کتابی هم که از او منتشر شد در سال ۷۰ و با عنوان «ماجرای رویاه و زنبور» بود. یکی از ویژگی‌های جالب توجه درباره این نویسنده این است که به داستان‌ها و رمان‌هایش اجازه می‌دهد خودش‌شان ژانر و گروه سنی مناسب را بیابند.

خودش در مورد دغدغه‌های نوشتن نکاتی دارد و در گفت‌وگویی درباره این موضوع توجه به قصه و داستان که برای ما از دیرباز مهم بوده، می‌گوید: «دغدغه اولیه من همیشه تالیف و خلق یک اثر خلاقانه است اما نباید از بازآفرینی متن‌ها که غافل شد. ضرورت دارد متن‌ها که برای نسل امروز و به زبان و پیام امروزی بازآفرینی شوند، چون ما دچار یک گسست

شیرین و به یادماندنی نقش بسته است. آثار او به زبان‌های آلمانی، اسپرانتو، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، عربی و ارمنی ترجمه شده است. اما اولین اثری که از او به زبان انگلیسی ترجمه شد، داستان «سماور» از قصه‌های مجید بود که برای یونیسف هم فرستاده شد. او در سال ۱۹۹۲ از سوی داروان جایزه جهانی هانس کریستین آندرسن برلین، به دلیل تاثیر عمیق و گسترده‌اش در ادبیات کودکان جهان به عنوان نویسنده برگزیده سال انتخاب و برنده جایزه جهانی برلین شد. وی همچنین جایزه «خوزه مارتینی» (نویسنده و قهرمان ملی آمریکای لاتین) را در کشور کاستاریکا از آن خود کرد. وقتی به عنوان برگزیده سال جایزه آندرسن شناخته شد، برای تشکر از داروان پیامی نوشت که در ابتدای کتابش هم به زبان‌های مختلف منتشر شد. پیامی تاثیرگذار که بسیاری آن را نشأت گرفته از ذوق نویسندگی‌اش می‌دانند. او در این پیام داستان دختری تنها را روایت می‌کند که آدمک‌های بسیاری را می‌سازد و برایشان داستان تعریف می‌کند تا آنها را روایتگر داستان‌هایش باشند. او در پایان این نوشته می‌گوید: «منظوم که قصه‌های ساده مرا بسنندید. آدمک‌های زیادی از روستاهای من برای گفتن قصه به تمام دنیا آمده‌اند، دوستان من برای درآغوش کشیدن آدمک‌های قصه‌گو آغوش بگشایید.»

که متولد می‌شود، دختر پدرش است و سپس زن شوهرش و در نهایت مادر پسرش...» قصه‌گویی غریزی را باید دیگر ویژگی او دانست. استقبال جهانی از آثار پیرزاد در فرانسه و کشورهای انگلیسی زبان، باعث شناخته شدن در این کشورها شد. پیرزاد در گفت‌وگویی درخصوص شناخت مردم از او به عنوان یک نویسنده می‌گوید: «اینکه کارهایم شناخته شوند، مردم آنها را بخوانند و با آنها ارتباط برقرار کنند، برای من یک تشویق بزرگ است. به همین دلیل دریافت جایزه کوریه انترناسیونال بسیار خوشحالم کرد. زمانی که مردم می‌آیند و از کتاب‌هایم صحبت می‌کنند یا زمانی که نظرات مردم را در ویلاگ‌ها می‌خوانم، بسیار لذت می‌برم، ولی خیلی دوست ندارم با روشنفکران بنشینم و از ادبیات صحبت کنم. راستش خیلی دوست ندارم عضو یک خط فکری یا یک گروه نویسنده ایرانی خاص باشم، زیرا نوع نوشتن داستان کوتاه و شیوه نوشتن من با آن چیزی که در ایران انجام شده و می‌شود، کاملاً تفاوت دارد. فکر می‌کنم نویسنده بودن یعنی فقط نوشتن. جنبه دیگر این حرفه، یعنی تماس با خوانندگان، بسیار جالب است. خواننده دروغ نمی‌گوید؛ یا از کار شما خوشش آمده یا آن را نپسندیده.»

فرهنگی شده‌ایم و اگر این گسست ترمیم نشود باید شکست فرهنگی را تجربه کنیم. ماریشه‌هایی داریم که اگر آن را از یاد ببریم، خواسته و ناخواسته این درخت تنومند فرهنگی را باندنم‌کاری‌هایی که می‌بینیم، می‌خشکانیم.» آثار او به زبان‌های مختلف ترجمه شده و همین ترجمه‌ها او را بارها نامزد جایزه هانس کریستین آندرسن کرده است. خودش معتقد است برای ترجمه کردن داستان‌های ایرانی باید برنامه داشت و می‌گوید: «در مورد ترجمه دو حالت وجود دارد. گاهی ناشران برای بازاریابی اثر را ترجمه و منتشر می‌کنند. حالت دوم این است که ناشران خارجی کتابی را ببینند و آن را انتخاب و ترجمه کنند. چند تا از کتاب‌های من به این دلیل ترجمه شد ولی کم‌کم راه خودشان را باز کردند و دارند متقاضیان واقعی خود را پیدا می‌کنند. مثل «قصه‌های کوتی» که در مالزی و هنگ‌کنگ چاپ شده یا کتاب «پشو و نشو» با عنوان بیل نبل در بریتانیا چاپ شد و ناشر آن را انتخاب کرده بود.»



ترجمه ادبیات کلاسیک همچنان خواندنی

داستان و شعر کلاسیک ایران بسیار در جهان شناخته شده و حتی می‌توان گفت، ادبیات کلاسیک از ادبیات معاصر بیشتر در دنیا شناخته شده است. طبیعتاً ادبیات هر ملت، ریشه در فرهنگ و باورهای آن سرزمین دارد و مطالعه داستان‌های کهن، نه تنها از جنبه هنری باسگرایی، بلکه از نظر آشنایی با چهارچوب فکری، ارزش‌های اجتماعی و هنرهای حاکم بر سرزمین‌هایی که داستان‌ها از آن سرچشمه گرفته‌اند، دارای اهمیت است. بیشتر حکایت‌های ادبیات کلاسیک ایران، از جمله داستان‌های عاشقانه، به نظم سروده شده و این ویژگی، تنها به ادبیات ایران اختصاص ندارد، بلکه همه ملت‌ها داستان‌های کهن خود را برای زیباتر شدن یا با هدف حفظ آسان‌تر آن، به نظم درمی‌آوردند. از داستان «گیلگمش» در بابل باستان تا داستان حماسی بیوفول (Beowulf) در ادبیات انگلیسی کهن،

همگی به صورت شعر مکتوب شده‌اند. در این بین برخی سعی کرده‌اند تا این داستان‌های عاشقانه شاعران ایرانی را به صورت نثر هم بنویسند و علاوه بر ترجمه نظم، نثرها هم ترجمه شده و مورد استقبال قرار گرفته است.

در زمینه ترجمه آثار ادبیات کلاسیک فارسی به خارجی مشکلات کمتری برای ترجمه وجود دارد و یک دلیلش به خاطر استقبالی است که مردم از این آثار دارند و همین باعث شده تا خود ناشران خارجی ترجمه این آثار را به عهده بگیرند و در این زمینه اقدام کنند. می‌توان گفت اکثریت آثار ادبیات کلاسیک ایران به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است. داستان خسرو و شیرین و داستان‌های نثر شاهنامه فردوسی از جمله داستان‌های ادبیات کلاسیک ایران است که بسیار در دنیا مورد استقبال قرار گرفته است.